

From Khilāfah to ‘Ahd: A Qur’anic Model of Conceptual Transformation

Somayeh Kerdari ¹  Abolfazl Khoshmanesh ² 

1. PhD Candidate in Quranic and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Associate Professor of Quranic and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

Corresponding Email: khoshmanesh@ut.ac.ir



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440>

Article History:

Received: 2025-03-05
Revised: 2025-04-03
Accepted: 2025-04-27
Online First: 2025-09-29

Keywords

divine khilāfah,
Qur’anic dialogues,
qawl,
‘ahd.

Type of Article:

Research

Abstract: The Almighty God refers for the first time to the notion of *khilāfah* in Q 2:30 and to *imāmah* and the concept of *‘ahd* in Q 2:124. A transformative progression can be identified across Q 2:30–124: God characterizes the human being initially as “*khalīfah*,” then as “*imām*,” and ultimately associates this development with the term “*‘ahd*.” This ordering does not indicate chronological or spatial precedence; rather, it reflects ascending degrees of human existential and spiritual perfection. This study seeks to clarify the nature of this progression by examining classical and contemporary Qur’anic commentaries and by formulating a coherent model of the *khilāfah-to-‘ahd* transition. The research adopts a grounded-theory methodology and is applied in nature; the dataset consists of Q 2:30–124. Qualitative analysis and model extraction were carried out using Excel and MAXQDA. The core findings highlight two central points: first, that the concepts of *khilāfah*, *imāmah*, and *‘ahd* are presented in the Qur’an with precise linguistic and conceptual intentionality; and second, that the category of *qawl* serves as a fundamental analytical key for unpacking the proposed model. The significance of *qawl* becomes evident across several dialogues, including God’s address to Moses (‘a), Moses’ exchanges with the Children of Israel, God’s discourse with the Jews and the angels, and finally, His speech with Adam (‘a). The research identifies forty-two major thematic categories within this model, such as fidelity to the divine covenant, avoidance of hypocrisy and sectarian discord, reflection upon divine power, wisdom, and miracles, trust in God’s will and wisdom, patience and gratitude, and abstention from disbelief and disobedience.

How to cite:

Kerdari, Somayeh; Khoshmanesh, Abolfazl . (2025). From Khilāfah to ‘Ahd: A Qur’anic Model of Conceptual Transformation. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (4), 51-80.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440>

@ authors retain the copyright and full publishing rights. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





دریافت: ۱۴۰۳-۱۲-۱۵
 بازنگری: ۱۴۰۴-۰۱-۱۴
 پذیرش: ۱۴۰۴-۰۲-۰۷
 انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۰۷

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440> doi

سمیه کرداری^۱

ابوالفضل خوش منش^{۲*}

مقاله: پژوهشی

چکیده

خداوند متعال برای اولین بار در آیه ۳۰ سوره بقره به مسئله خلافت و در آیه ۱۲۴ این سوره به مسئله امامت و بحث «عهد» اشاره فرموده است. به نظر می‌رسد در آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره سیری تحولی دیده می‌شود؛ به این ترتیب که خداوند متعال از انسان به عنوان «خلیفه» و سپس «امام» یاد و در نهایت به واژه «عهد» اشاره می‌کند. این موضوع به معنای تقدم زمانی یا مکانی این دو نیست، بلکه نشان‌دهنده مراتب وجودی و معنوی انسان است. محقق در این پژوهش در نظر دارد با مطالعه تفاسیر قرآن کریم، نسبت به تبیین چگونگی این سیر تحول اقدام و الگوی مرتبط را ارائه کند. روش تحقیق «تحلیل زمینه‌ای» و نوع تحقیق کاربردی است و جامعه آماری آن آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره است. به منظور تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها و استخراج الگو، از نرم‌افزارهای اکسل و مکس کیودا استفاده شده است. اهم یافته‌های اصلی این پژوهش دو محور کلیدی را نشان می‌دهد: نخست آنکه مفاهیم «خلافت»، «امامت» و «عهد» با دقتی زبانی و مفهومی در قرآن ارائه شده‌اند؛ دوم آنکه مقوله «قَوْل» به عنوان یک ابزار تحلیلی، برای تبیین فرضیه «خلافت تا عهد» از اهمیت بنیادینی برخوردار است. شواهد این اهمیت در گفت‌وگوهای متعددی از جمله گفت‌وگوی خداوند با موسی عَلَيْهِ السَّلَام، موسی عَلَيْهِ السَّلَام با بنی اسرائیل، خداوند با یهودیان و فرشتگان و در نهایت، گفت‌وگوی خداوند با آدم عَلَيْهِ السَّلَام نمود یافته است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده ۴۲ مقوله مهم در الگوی مدنظر، از جمله وفادار ماندن به میثاق الهی، پرهیز از ریاکاری و تفرقه افکنی در مسائل دینی، تفکر و تعقل در برابر قدرت و حکمت و معجزات الهی، اعتماد به اراده و حکمت الهی، صبر و شکرگزاری و پرهیز از کفر و نافرمانی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، خلافت الهی، گفت‌وگوهای قرآنی، قَوْل، عهد.

استناد به مقاله:

کرداری، سمیه؛ خوش منش، ابوالفضل. (۱۴۰۴). الگوی خلافت تا عهد از منظر قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۴)، ۵۱-۸۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440>

khoshmanesh@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 ۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).



۱. مقدمه

از جمله مباحث بنیادین در مطالعات قرآنی و کلامی، تبیین مسیر تکاملی مفاهیم «خلافت»، «عهد» و «امامت» است. قرآن کریم ابتدا در آیه ۳۰ سوره بقره مفهوم خلافت را مطرح می‌کند؛ جایی که خداوند اراده خود را بر جعل خلیفه در زمین اعلام می‌دارد. این خلافت که به نوعی نمایندگی الهی در زمین محسوب می‌شود، نقطه آغازین سیر تکاملی ولایت الهی در جامعه بشری است. در ادامه، آیه ۱۲۴ این سوره مفهوم «عهد» را به میان می‌آورد و آن را به امامت پیوند می‌زند. در این آیه، امامت نه صرفاً یک مقام اجتماعی، بلکه عهد الهی معرفی شده است که تنها شایستگان به آن دست می‌یابند. بنابراین، امامت را می‌توان غایت و تکامل نهایی خلافت دانست؛ یعنی امامت استمرار و تحقق کامل عهد الهی در جامعه است، درحالی‌که خلافت به‌عنوان یک اصل اولیه، تنها ظرفیتی بالقوه برای تحقق این امر را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، خلافت مرحله‌ای از جانشینی الهی است که در صورت تحقق شروط و ویژگی‌های خاص می‌تواند به امامت ارتقا یابد؛ همان‌گونه که این سیر از خلافت به امامت در سیره ابراهیم علیه السلام طی شد.

مفهوم خلافت در قرآن و سنت، همواره یکی از موضوعات مهم در مطالعات اسلامی به‌ویژه در حوزه علوم قرآن و تاریخ اندیشه اسلامی بوده است و از آنجاکه قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی و بنیادین تشریح در اسلام شناخته می‌شود، بسیاری از مفاهیم و نهادهای اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی، به‌ویژه در بعد تاریخی، ریشه در آیات قرآنی دارد. خلافت، به‌عنوان مسئولیت رهبری و هدایت جامعه مسلمانان، پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یکی از پرسش‌های اساسی در تاریخ مسلمانان تبدیل شد و تأثیرهای آن همچنان در تفسیر و فقه اسلامی محسوس است.

مقاله حاضر با عنوان «الگوی خلافت تا عهد از منظر قرآن کریم»، به تحلیل مفاهیم آیات خلافت تا عهد (بقره: ۳۰-۱۲۴) می‌پردازد. این مقاله بر مقوله‌های دخیل در امامت از جمله «قول» متمرکز می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه مفهوم خلافت از بعد قرآنی و تفسیری، به طور طبیعی به‌عنوان مسئولیت دینی و اجتماعی و سیاسی مطرح شده و با گذر زمان، چه تحولاتی را از نظر نظری و عملی به خود دیده است. در این مطالعه، پس از بررسی مفاهیم اولیه در آیات مدنظر، به تحلیل کیفی داده‌ها از طریق نرم‌افزار مکس کیودا می‌پردازیم و الگوی مرتبط را استخراج خواهیم کرد. امید است این پژوهش بتواند به گسترش درک و فهم مفاهیم خلافت و عهد در علوم قرآن و تاریخ اندیشه اسلامی کمک کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های جدیدتری در زمینه تفسیر و فقه سیاسی اسلام شود.

قرآن کریم متشکل از ۱۱۴ سوره، ۶۲۳۶ آیه و ۸۷۹۸۰ کلمه (شامل ۱۶۳۲۶ کلمه غیرتکراری) است که ۹۷۹۳ کلمه فقط یک‌بار بیان شده و در نتیجه، به طور متوسط در هر ۹۴ آیه قرآن ۱۰۴ کلمه آمده است. در آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره (شامل ۹۴ آیه و ۱/۵ درصد از کل آیات قرآن) ۲۰۱۱ کلمه (شامل ۲/۲۳ درصد از کلمات قرآن، شامل ۷۷۳ اسم، ۷۷۰ حرف و ۴۶۸ فعل) به کار رفته است که با حذف کلمات تکراری، از ۹۶۲ کلمه (شامل ۰/۶ کل کلمات غیرتکراری قرآن، شامل ۴۷۹ اسم، ۱۵۱ حرف و ۳۳۲ فعل) تشکیل شده است. در بین ۹۴ آیه محل بحث، ۱۷۹ کلمه (معادل ۱/۸ درصد و شامل ۷۸ اسم، یک حرف و صد فعل) از کلماتی است که فقط یک‌بار در قرآن کریم به کار رفته است (۱/۷ برابر بیشتر از مقدار متوسط). این بسامد نشان‌دهنده میزان اهمیت تبیین کلمات در این دسته از آیات قرآن کریم است. بر اساس این داده‌های آماری، می‌توان در رابطه به آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره چند نتیجه کلیدی به شرح زیر گرفت:

۱. اهمیت زبانی و محتوایی: این آیات که به موضوع خلافت و عهد و امامت می‌پردازد، شامل ۹۴ آیه (حدود ۱/۵ درصد آیات قرآن) است، اما از نظر تعداد کلمات، ۲۳/۲ درصد کلمات قرآن را شامل می‌شود. این نکته نشان‌دهنده تمرکز خاص قرآن بر این بخش است؛ زیرا حجم محتوایی آن نسبت به میانگین آیات دیگر بیشتر است.

۲. نقش کلمات نادر در آن: در این ۹۴ آیه، ۱۷۹ کلمه وجود دارد که تنها یک‌بار در قرآن آمده است؛ یعنی ۱/۸ درصد از کلمات نادر قرآن. این عدد ۱/۷ برابر بیشتر از متوسط این نوع کلمات در سایر آیات است. این نکته می‌تواند نشان دهد که مفاهیم مربوط به خلافت و عهد و امامت نیازمند واژگان خاصی است که تنها در این بخش از قرآن به کار رفته است. بنابراین تحلیل دقیق‌تر این کلمات می‌تواند به درک عمیق‌تری از مفاهیم امامت و خلافت کمک کند.

۳. نسبت اسامی و حروف و افعال در این آیات: ۴۷۹ اسم نشان می‌دهد این آیات بر مفاهیم، اشخاص، ویژگی‌ها و اسماء خاص تأکید دارد؛ ۱۵۱ حرف که کمتر از مواضع دیگر است، شاید دلیلی بر فشردگی معنایی و غنای مفهومی آیات باشد؛ ۳۳۲ فعل نشان از پویایی و حرکت و فرآیند تغییر از خلافت به عهد و امامت دارد.

۴. کاربرد این یافته‌ها در بحث خلافت تا عهد: پردازش متمرکز این آیات به مفهوم خلافت و امامت نشان می‌دهد قرآن برای این تحول (از خلافت به عهد) اهمیت ویژه‌ای قائل است. وجود کلمات نادر در این آیات می‌تواند بیانگر عمق مفهومی موضوع امامت باشد که نیازمند تعابیر و اصطلاحات خاص قرآنی است؛ همچنین تحلیل این کلمات خاص و ارتباط آن‌ها با موضوع خلافت و امامت می‌تواند چهارچوبی برای کشف الگویی قرآنی در این تحول ارائه دهد.

۱-۱. اهمیت تحقیق

۱. تبیین نظام‌مند تحول از خلافت به عهد و امامت: این تحقیق می‌تواند الگویی قرآنی برای این تحول ارائه دهد و به درک عمیق‌تر ارتباط بین این مفاهیم کمک کند. چنین الگویی می‌تواند به روشن شدن جایگاه امامت در اندیشه اسلامی کمک کند و مبنای علمی جدیدی برای مطالعات قرآنی فراهم آورد؛

۲. ارائه چهارچوب زبانی و تفسیری نوین: تحلیل آماری و معنایی کلمات کلیدی در آیات محل بحث می‌تواند نشان دهد چگونه قرآن کریم از واژگان خاص و نادر برای بیان این تحول بهره برده است. این روش، رویکردی نوین در مطالعات قرآنی ایجاد و به فهم دقیق‌تر مفاهیم کمک می‌کند؛

۳. کاربرد در مباحث کلامی و اجتماعی: در جوامع اسلامی، درباره نسبت خلافت و امامت و حکومت اختلافات بسیاری وجود دارد. این تحقیق می‌تواند با تبیین مبانی قرآنی، به وحدت فکری و حل برخی چالش‌های نظری کمک کند و زمینه‌ساز تفسیر صحیح‌تری از مفاهیم دینی باشد؛

۴. تقویت مطالعات بین‌رشته‌ای: این پژوهش می‌تواند بین حوزه‌های علوم قرآنی، تفسیر، کلام اسلامی و حتی جامعه‌شناسی سیاسی پیوند ایجاد کند و نشان دهد که مفاهیم قرآنی چگونه در بستر تاریخی و اجتماعی قابل تبیین است.

۱-۲. ضرورت تحقیق

۱. رفع ابهام در ارتباط با خلافت و عهد و امامت: بدون این پژوهش، بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی همچنان با برداشت‌های ناقص یا متناقض از ارتباط این مفاهیم مواجه خواهند بود و درک نظام‌مند و دقیقی از تحول این مفاهیم در قرآن حاصل نخواهد شد؛

۲. رفع خلأ علمی در مطالعات قرآنی و کلامی: نبود یک پژوهش جامع در این زمینه موجب می‌شود این خلأ علمی در مطالعات قرآنی باقی بماند و ارتباط این مفاهیم به‌طور مجزا و گسسته بررسی شود؛ درحالی‌که قرآن یک نظام معنایی به‌هم‌پیوسته دارد که باید به‌درستی تبیین شود؛

۳. رفع سوءبرداشت‌ها در مباحث سیاسی و اجتماعی: در بسیاری از مباحث فکری و سیاسی اسلامی، برداشت‌های نادرستی از مفاهیمی مانند خلافت و امامت وجود دارد. با انجام چنین تحقیقی، این برداشت‌های نادرست می‌تواند به اختلافات نظری بیشتر منجر شود و مبنای قرآنی این مفاهیم همچنان مغفول بماند.

۴. به‌کارگیری فرصت نوآوری در روش‌های تحلیل قرآنی: در صورت انجام نشدن چنین پژوهش‌هایی، یکی از فرصت‌های ارزشمند برای ارائه رویکردهای جدید در تحلیل زبانی و تفسیری قرآن از دست خواهد رفت. این تحقیق می‌تواند الگویی برای پژوهش‌های بعدی در حوزه مطالعات قرآنی و علوم اسلامی باشد.

۲. تعاریف لغوی و اصطلاحی کلیدواژه‌ها

۱-۲. تعاریف لغوی و اصطلاحی خلیفه

خلیل بن احمد خلیفه را به معنای «مَنْ اسْتَخْلَفَ مَكَانَ مَنْ قَبْلَهُ وَيَوْمَ مَقَامِهِ» دانسته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۶۷). راغب «الخلافة» را به معنای نیابت از غیر ذکر کرده است. این نیابت به دلیل غیبت منوب عنه، موت یا عجز وی، یا به دلیل تشریف مستخلف است. خداوند بنا بر وجه اخیر، اولیای خویش را در زمین خلیفه قرار داده است (نک: فاطر: ۳۹^۱. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۴). ابن فارس ریشه «خلف» را دارای سه اصل می‌داند: اصل اول چیزی پس از چیز دیگر بیاید و در جای آن قرار گیرد، اصل دوم نقطه مقابل قدام، و اصل سوم به معنای تغییر. وی در ادامه، وجه تسمیه «خلافة» را ناظر به معنای اول دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۰). شیخ طوسی نیز این واژه را از ریشه «خَلَفَ فُلَانٌ فُلَانًا فِي هَذَا الْأَمْرِ» به معنای «إِذَا قَامَ مَقَامَهُ فِيهِ بَعْدَهُ» دانسته است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۱). بر این اساس، واژه «خلیفه» به معنای کسی است که پس از شخص پیشین، در جایگاه او قرار می‌گیرد و قائم مقام وی می‌شود.

«خلافة الله» اصطلاح خلافت خداوند و گمان برخی به خلافت پیشینیان زمین گفته می‌شود که در این معنا اختلاف دیدگاه وجود دارد. به‌عنوان نمونه، برخی بر این باورند که نفس یا انسان نوعی خلیفه خداوند بر روی زمین است. سهروردی درخصوص این مطلب تصریح کرده است: «نفس خلیفه الله زمین است»؛ سهروردی با استناد به آیات قرآن، استخلاف و جانشینی انسان در زمین را مبتنی بر ظرفیت‌های درونی او می‌داند. وی به آیه‌ای اشاره می‌کند که جانشینی را بر پایه «فضائل نفوس و همت‌های عالی» (انعام: ۱۶۵)^۲ مقرر می‌دارد و آن را با آیاتی دیگر که وعده «يَسْتَخْلِفُكُمْ فِي الْأَرْضِ» (اعراف: ۱۲۹)^۳ و مسئله خلافت را مطرح می‌کند (بقره: ۳۰)^۴ و آیه ۲۶ سورة ص^۵ تأیید می‌کند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۸) ملاهادی سبزواری نیز با اشاره به آیه ۳۰ سورة بقره و تعلّم اسماء حسنا توسط آدم، همه حیوانات و نباتات را مظهر اسماء حسنا الهی دانسته و ادامه انسان کامل را مظهر کل اسماء حسنا الهی شمرده است. لذا از

۱. هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا.

۲. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ.

۳. قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.

۴. إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.

۵. يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ ...

عبارات وی برمی آید که هر دو دیدگاه را پذیرفته است (سبزواری، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴۹). از عبارات علامه طباطبایی در تفسیرش می توان دریافت که وی نیز هر دو دیدگاه را پذیرفته است؛ زیرا وی مراد از «خلافت» در آیه ۶۲ نمل^۱ را چنین ذکر می کند: «الْخِلَافَةُ الْأَرْضِيَّةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ يَتَصَرَّفُ فِي الْأَرْضِ وَمَا فِيهَا مِنَ الْخَلِيفَةِ كَيْفَ يَشَاءُ، كَمَا قَالَ تَعَالَى: إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۸۳). او همچنین مراد از خلافت در آیه ۲۶ سورة ص را «خلافة الله» و آن را بر آیه ۳۰ سورة بقره منطبق می داند و می نویسد:

یکی از شئون خلافت این است که صفات و اعمال مستحلف را نشان دهد و آینه صفات او باشد و کار او را بکند. پس خلیفه خدا در زمین باید متخلق به اخلاق خدا باشد و آنچه خدا اراده می کند، او اراده کند و آنچه خدا حکم می کند، او همان را حکم کند و جز راه خدا راهی نرود و از آن راه تجاوز و تعدی نکند. لذا با آوردن «فا» بر سر جمله «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) حکم حق کردن را نتیجه و فرع آن خلافت قرار داده و این خود مؤید آن است که مراد از «جعل خلافت» این نیست که شأنیت و مقام خلافت را او داده باشد؛ بلکه مراد این است که شأنیتی را که حکم آیه شریفه (ص: ۲۰) قبلاً به او داده بود، به فعلیت برساند و عرصه بروز و ظهور آن را به او بدهد؛ زیرا خداوند صفات او را کامل کرده و به وی ملک عطا کرده که میان مردم حکم می کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۹۴-۱۹۵).

برخی نیز همچون علامه عسکری مراد از «خلیفة الله في الأرض» را نوع انسان ندانسته، بلکه آن را با مقام نبوت و امامت مرتبط می داند. او به آیه ۳۰ سورة بقره استناد و به دو دیدگاهی که مقصود از خلیفه را «آدم» و «نوع انسان» شمرده، اشاره می کند و ادامه آیه ۲۶ سورة ص^۳ را مؤید تفسیر اول می شمرد؛ زیرا اگر معنای آیه «خلیفة بودن نوع انسان» بود، تخصیص داوود و خلیفه قرار دادن وی روی زمین از میان نوع انسانها که به گمان برخی پیش از او و نیز پس از او نوع انسانی را خلیفه خویش قرار داده بود، هیچ معنایی نداشت؛ دیگر اینکه فاء سببیه در «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» بر این دلالت می کند که عطا کردن حق حکم بر مردم به داوود عليه السلام، سبب «خلیفة خدا» بودن وی بوده است؛ به عبارت دیگر حق حکم فرع بر خلیفه بودن اوست. لذا در آیات دیگر، اگر اشاره به حق حکم برگزیدگان خدا شده باشد، دلیل بر «خلیفة خدا» بودن ایشان است؛ مانند آیات ۴۴ مائده^۴ و ۱۰۵ نساء: ۱۰۵ (عسکری: ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۱). مؤید این دیدگاه تصریح مجلسی اول است؛ آنجا که می نویسد:

احادیث متواتره وارد است از ائمه هدی علیهم السلام که مراد از آیه ۳۰ بقره مطلق خلیفه است، از حضرت آدم عليه السلام تا حضرت صاحب الزمان عليه السلام؛ یعنی مقرر ساخته ام که خلیفه از من همیشه در زمین باشد. و وارد است که: «الخلیفة قبل الخلیفة»؛ یعنی خداوند اول خلیفه را آفرید و دیگر خلق را آفرید؛ تا آنکه خلق را بر خدا حجتی نباشد که اگر رسولی می فرستادی، ما بر ضلالت نمی بودیم و بر راه ضلالت نمی رفتیم (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰۳).

۲-۲. تعریف لغوی و اصطلاحی امامت

واژه «امام» بر وزن فِعَال از ریشه «ام م» و مهموز الفاء و مضاعف است. امام از نظر واژه پژوهان به این معناست: «هرکس که در کارها

۱. أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ.

۲. وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابَ.

۳. يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...

۴. إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ ...

۵. إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ ...

به او اقتدا شود و در امور جلودار باشد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰). در کتب لغت برای این واژه معانی دیگری از جمله پیشوا، پیشرو، معلم، سرپرست، دلیل و راهنما، طناب و چوبی که در ساختمان به کار می‌رود تا پایه‌های آن به صورت برابر قرار گیرد، نشانه‌ای که لشکر به دنبال آن حرکت می‌کند، جاده و راه نیز ذکر شده است (ابن درید، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، صص ۲۲-۲۸). با دقت در معانی آمده در منابع لغوی، به نظر نوعی معنای جلوداری و پیشوایی و راهنمایی در معنای امام نهفته است؛ چه این پیشوا انسانی باشد که به سخن و کار او اقتدا شود، یا کتابی چنین باشد، یا هر چیز دیگری اعم از حق یا باطل که سمت پیشوایی دارد. جمع این واژه ائمه است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۷).

در اصطلاح، امام راهنما و الگویی است که دیگران از او برای رسیدن به اهداف گوناگون خود پیروی می‌کنند. جمعی واژه امام را به معنای مفعولی دانسته‌اند؛ مانند «کتاب» به معنای «مکتوب». در این صورت امام به معنای «مقتدی و مَنْ یؤْتَمُّ به» است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۲). واژه امام و مشتقات آن دوازده بار در قرآن به کار رفته است (هفت بار به صورت مفرد و پنج بار به صورت جمع) و به حسب مفهوم به همان معنای لغوی مقتدی و مَنْ یؤْتَمُّ به، پیشوا و کسی است که به او اقتدا شود. متکلمان در تعریف امامت به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه امامت را تعریف نکرده‌اند؛ بر این تصور که همه مذاهب اسلامی از امامت تصویر روشنی دارند که مورد قبول همگان است.^۱ گروهی دیگر هم قبل از پرداختن به بحث و جوب امامت و اوصاف امام، امامت را تعریف کرده‌اند (ربانی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). در مورد تعریف امامت، میان متفکران و متکلمان فریقین اختلاف نظر زیادی وجود دارد (یزدی مطلق، ۱۳۸۱، صص ۴۰-۴۴؛ آملی، ۱۴۲۲، ج ۳، صص ۲۵۳-۲۶۹). این اختلاف طبیعی است؛ چراکه امامت از نظر شیعه یکی از اصول دین محسوب می‌شود، ولی از نظر اهل سنت جزء فروع دین و دستورات عملی است که در دین وجود دارد. امامت در مذهب شیعه یک اصل مهم اعتقادی است و معمولاً در کتاب‌های کلامی شیعه، ذیل مبحث نبوت بررسی می‌شود. مفسران و اندیشمندان شیعه از گذشته تاکنون اهتمام ویژه‌ای به این بحث داشته‌اند و این خود نمایانگر اهمیت فوق‌العاده این مقوله نزد آنان است. امامت در اندیشه شیعه همتای نبوت و در امتداد آن است (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵، ص ۶۷۳).

۳-۲. تعریف لغوی و اصطلاحی «قَوْل»

اصلی‌ترین و پرکاربردترین معنای واژه «قول»، گفتار و سخن است. فیروزآبادی می‌گوید: «الْقَوْلُ: الْكَلَامُ، أَوْ كُلُّ لَفْظٍ مَدَّلٍ بِهِ اللِّسَانِ، تَامًّا أَوْ نَاقِصًا»: قول به معنای کلام یا هر لفظی است که زبان آن را افشا می‌کند؛ تمام باشد یا ناقص (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۰۴). راغب می‌گوید: «قول» و «قیل» یکی است. قول بر جوهی به کار می‌رود که روشن‌ترین آن‌ها این است که کلمه یا کلمات مرکب از حروفی است که به وسیله تکلم ظاهر شود؛ خواه به طور مفرد باشد، یا به صورت جمله. مثل «زید» و «خرج» که مفرد است، و مرکب مانند «زید منطلق» و «هل خرج عمرو؟» و مانند آن‌ها. جزء واحد از انواع سه‌گانه سخن، یعنی اسم فعل، ادات یا حرف، بیشتر به معنای قول به کار می‌رود؛ چنان‌که قصیده و خطبه و مانند آن‌ها هم قول نامیده می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۸).

درباره کاربرد «قَوْل» در قرآن کریم و جوهی را مطرح شده که به طور خلاصه از این قرار است: قرآن سخن معمولی و متداول را «قول» نامیده است. آیه ۲۶۳ سوره بقره:^۲ «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ» معنای وسیعی دارد و هرگونه سخن نیک، دل‌داری، دلجویی، راهنمایی، گفتار پسندیده در برابر نیازمندان و عفو و گذشت از خشونت‌های آن‌ها را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۲۲). به سخن خداوند متعال

^۱ . مثل سید مرتضی در کتاب‌های الشافی و الذخیره و شیخ طوسی در کتاب الاقتصادی ما يتعلق بالاعتقاد و عبد الجبار معتزلی در کتاب المعنی و قاضی ابوبکر باقلانی در کتاب التمهید و امام الحرمین جوینی در کتاب الارشاد و عبدالقاهر بغدادی در کتاب اصول الدین.

^۲ . قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ ...

در این موارد «قول» اطلاق شده است: به شکل خلق صوت، از جمله در طه: (۱۱)؛^۱ فهماندن مطلب، وحی و الهام، از جمله در بقره: ۳۰؛^۲ حکم خداوند در کارها، مانند انبیاء: ۶۹؛^۳ مطلبی را در دل و ذهن آوردن نیز در قرآن مجید به «قول» و سخن تعبیر شده است، برای مثال در مجادله: ۸؛^۴ به اجابت تکوینی هم در قرآن «قول» گفته شده است: فصلت: ۱۱. علاوه بر این‌ها، حتی قرآن به لحن سخن نیز توجه کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: از لحن قول و سخن آنان می‌توان به شخصیتشان پی برد (محمد: ۳۰).^۵ قرآن به رفع صوت و غصّ صوت (بلندی و کوتاهی صدا) نیز توجه دارد.^۶ واژه قول در قرآن درباره غیر انسان‌ها نیز به کار رفته است؛ چه آنکه آن‌ها را مخاطب قرار داده، یا از آن‌ها نقل قول کرده است، مانند سخن زمین و آسمان در فصلت: ۱۱ و بقره: ۱۱۷.^۸ علامه طباطبایی معتقد است، قول در این دو آیه کنایه از ابراز اراده و خواست درونی است؛ به هرگونه که باشد. لذا گفتن با لفظ نیست و هیچ‌گونه سخنی در کار نبود؛ جز آنکه همان‌گونه که گفتار نمایانگر خواسته درونی است، به هرچه نمایانگر خواسته باشد، قول و گفتار گفته می‌شود و لازمه آن مقصود است که ابراز مراد باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۵۵۵).

۳. پیشینه پژوهش

فتح‌الله نجارزادگان در مقاله «پیوند مفهوم خلیفه الله در قرآن با امامت، از دیدگاه متکلمان فریقین» با تبیین چیستی خلیفه الهی در قرآن و بررسی نحوه پیوند آن در آیه ۳۰ سوره بقره با امامت اظهار داشته است که خلیفه الله برترین موجودات و دارای شئون متمایز ساز از دیگران است و امامت در دیدگاه شیعه عبارت از جانشینی انبیا و خلافتی از جانب حق تعالی در همه امور دینی و دنیایی است. مطالعه او نشان می‌دهد که امام و خلیفه مورد نظر اهل سنت فقط در حوزه اجرا و خلافت و ولایت ظاهری دنیایی با خلیفه الله هماهنگ است. خلیفه الهی که ولی الله و واسطه فیض و معلم ملائکه است، نمی‌تواند با امام مدنظر اهل سنت تطبیق داشته باشد.

نصرت نیل‌ساز در مقاله «جریان‌شناسی تفاسیر فریقین نسبت به آیه ۱۲۴ سوره بقره در مسئله امامت» معتقد است، شیعیان این آیه را دلیلی بر بطلان امامت هر فاسق و ظالمی تا روز قیامت دانسته و از این آیه در مناقشات کلامی در مسئله امامت بعد از پیامبر ﷺ فراوان بهره برده‌اند. از آن‌سو، مفسران اهل تسنن با یکسان دانستن مقام امامت و نبوت، این آیه را دلیلی بر لزوم عصمت انبیا دانسته‌اند؛ باین‌حال به این آیه، علاوه بر اثبات عصمت ظاهری امام، برای بطلان امامت کافر و فاسق، در مقام رهبر جامعه اسلامی یا در منصب قضاوت یا امامت نماز نیز استناد کرده‌اند.

مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مفهوم خلیفه الهی انسان در آیه خلافت (بقره: ۳۰)» توسط علیرضا کاوند بروجردی، به موضوع خلافت حضرت آدم و ذریه ایشان بر روی زمین پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تنها آنانی به مقام خلافت الهی می‌رسند که مصداق انسان کامل باشند و انسان‌های کامل کسانی نیستند مگر «مخلصین» که در قرآن ویژگی‌هایشان بیان شده است.

۱. فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي يَا مُوسَى.

۲. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ...

۳. فَلَمَّا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ.

۴. ... وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فَيَبْسُ الْمَصِيرُ.

۵. ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ.

۶. ... لِتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ...

۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (حجرات: ۲).

۸. بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

در مقاله دیگری به نام «معناشناسی خلیفه در قرآن کریم» که توسط فهیمه جمالی راد و مهدی جلالی تدوین شده است، نویسندگان معتقدند که بافت کلامی آیات و قواعد ادبیات عرب و قرآینی نظیر برهان عقلی، روایات صحیح، ادعیه و تاریخ صدر اسلام، مدلول واژه خلیفه را روشن می‌کند و نشان می‌دهد با اثبات تقیید و تخصیص آیات، مقام خلافت تنها برای انبیا و ائمه علیهم‌السلام است و تعمیم خلافت به تمام ابناء آدم علیهم‌السلام جایز نیست.

مقاله «بررسی تاریخچه استدلال به آیه ابتلای ابراهیم علیه‌السلام در منابع کلامی و امامتی کهن شیعی برای مسئله امامت» که توسط کاظم استادی با تحلیل آیه ۱۲۴ سوره بقره نوشته شده است، نویسنده بر آن است که در بیشتر منابع، خبری از استناد و استدلال به آیه ابتلای ابراهیم علیه‌السلام برای مسئله امامت با تعریف‌های خاص شیعی از آن وجود ندارد و موارد اندکی مرتبط با مسئله امامت در برخی منابع، آن هم به گونه‌ای درخور تأمل درج شده است.

نقاط اشتراک مقاله حاضر با پیشینه یادشده آن است که هریک از مقاله‌های یادشده به موضوع خلافت یا امامت با تکیه بر آیات قرآن به‌خصوص آیات ۳۰ و ۱۲۴ سوره بقره اشاراتی داشته و نظرات برخی از مفسران شیعه و سنی را بیان کرده‌اند. نقاط افتراق نیز اینکه پژوهش‌های پیش‌گفته به صورت مستقل به مسئله امامت پرداخته‌اند، اما به‌صورت خاص به موضوع سیر تحول خلافت تا عهد از منظر قرآن کریم اشاره‌ای نکرده‌اند. در این مقالات، مواردی همچون روش تحقیق، روش گردآوری داده‌ها، روش‌های نمونه‌گیری و روش‌های تجزیه و تحلیل قید نشده و هیچ‌گونه تحلیل کیفی مشاهده نمی‌شود. نقاط مغفول‌مانده در مقالات مرتبط، تحلیل دقیق پیوند «خلافت» و «عهد» از منظر قرآن است. خداوند در آیه ۳۰ سوره بقره خلافت را معرفی می‌کند، سپس در آیه ۱۲۴، «عهد» را به‌عنوان مؤلفه‌ای از امامت مطرح می‌سازد. این «عهد» که قرآن به‌طور خاص به آن اشاره کرده، کمتر تحلیل شده است. جنبه نوآوری این مقاله نیز آن است که به‌صورت کیفی آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره را با استفاده از تفاسیر معتبر قرآن کریم تجزیه و تحلیل کرده و الگوی نقشه راه جامع برای زندگی انسان به‌منظور رسیدن به سعادت دنیا و آخرت از طریق امامت را از طریق تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار مکس کیودا استخراج می‌کند.

۴. یافته‌های پژوهش

در فرایند انجام این تحقیق، ابتدا کلیه کلمات آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره شامل ۲۰۱۱ کلمه استخراج و در فایل اکسل ذخیره‌سازی شد. برای هر کلمه، اطلاعاتی شامل تعداد تکرار در کل قرآن، نوع کلمه، معنی، ریشه، تعداد تکرار با ریشه، تعداد تکرار در آیات انتخابی، مفهوم اصلی، مقوله اصلی، کد اولیه و کد ثانویه استخراج گردید. سپس بسامد هر یک از عوامل را ملاحظه و تعداد پنج واژه «قال، نبأ، اذ، امم و امر» را به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل در الگوی مدنظر انتخاب کردیم. البته در این مقاله به دلیل حجم بالای مطالب، فقط مقوله «قَوْل» انتخاب و بررسی شده است. تمام عناوین به‌کاررفته در مقاله بر اساس مفاهیم استخراجی از آیات و جمع‌بندی آن است. در برخی از آیات مانند آیه ۳۰، سه بار ریشه «قول» استفاده شده است: ابتدا گفت‌وگوی خداوند متعال با فرشتگان و سپس گفت‌وگوی فرشتگان با خداوند متعال و در ادامه گفت‌وگوی خداوند متعال با فرشتگان صورت گرفته است. بنابراین در بیان و تحلیل ریشه «قول» ممکن است یک آیه چندبار تکرار گردد. تعداد ۶۸ گفت‌وگو از ریشه «قول» از آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره استخراج شده است که در ادامه تشریح به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴. گفت‌وگوهای خداوند متعال (قانون‌گذاری)

اولین گفت‌وگوی خداوند متعال، در آیه ۳۰ سوره بقره^۱ اتفاق افتاده است. این آیه دارای ۳۳ کلمه (۸ اسم، ۱۵ حرف و ۱۰ فعل) و متشکل از ۲۷ کلمه (۸ مرتبه اسم، ۱۰ مرتبه حرف و ۱۰ مرتبه فعل) بوده. ۱۶ اسم و فعل موجود در این آیه ویژگی‌های خاصی به شرح جدول زیر دارد:

ردیف	کلمات	تشریح	تعداد تکرار در کل قرآن	نوع کلمه	ریشه	تعداد تکرار با ریشه	تعداد تکرار آیات انتخابی
۱	قَالَ	اولین گفت‌وگوی خداوند با فرشتگان	۵۰۶	فعل	قول	۱۷۲۲	۱۷
۲	رَبُّكَ	اولین باری که در قرآن ذکر شده است	۵۶	اسم	رب	۹۸۰	۱
۳	لِلْمَلَائِكَةِ	اولین باری که در قرآن ذکر شده است	۹	اسم	ملک	۲۰۶	۲
۴	جَاعِلٌ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	اسم	جعل	۳۴۱	۱
۵	خَلِيفَةً ^۲	اولین باری که در قرآن ذکر شده است	۲	اسم	خلف	۱۲۷	۱
۶	قَالُوا	اولین گفت‌وگوی فرشتگان با خداوند	۳۱۱	فعل	قول	۱۷۲۲	۱۵
۷	تَجْعَلُ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	فعل	جعل	۳۴۶	۱
۸	يُفْسِدُ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	فعل	فسد	۵۰	۱
۹	يُسْفِكُ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	فعل	سفک	۲	۱
۱۰	الدِّمَاءِ ^۳	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	اسم	دم	۱۰	۱
۱۱	نُسِّخَ ^۴	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	فعل	سیخ	۹۲	۱
۱۲	بِحَمْدِكَ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	اسم	حمد	۶۸	۱
۱۳	تُقَدِّسُ	فقط یک‌بار در کل قرآن	۱	فعل	قدس	۱۰	۱
۱۴	قَالَ	اولین پاسخ خداوند به سؤال فرشتگان	۵۰۶	فعل	قول	۱۷۲۲	۱۷
۱۵	أَعْلَمُ	۵۸ بار در قرآن آمده و برای اولین بار در این آیه به کار رفته است	۵۸	فعل	علم	۸۵۴	۳
۱۶	تَعْلَمُونَ	«لا تعلمون» ۲۲ بار در قرآن آمده و اولین بار در این آیه است.	۵۶	فعل	علم	۸۵۴	۳

آیه ۳۰ سوره بقره را که به نام «آیه خلافت» نیز یاد می‌شود، باید آیه اولین‌ها نام‌گذاری کرد. خداوند متعال در این آیه به زیبایی تمام به تبیین خلافت پرداخته و بعد از ۹۴ آیه به امامت امر فرموده است. این آیات شامل ۷۵ گفت‌وگو و حاوی مطالب بسیار ارزنده‌ای به شرح زیر است:

۱-۲-۴. گفت‌وگوهای خداوند با فرشتگان و بنی اسرائیل: از خلافت تا امتحانات الهی و معجزات

موضوعاتی چون اولین گفت‌وگوی خداوند با فرشتگان درباره خلافت و جعل خلیفه در زمین، سپس گفت‌وگوی فرشتگان و اعتراض و تسبیح و تقدیس آنان (بقره: ۳۰)،^۵ تعلیم اسماء و انبأ از آن و عرضه داشتن به فرشتگان (بقره: ۳۱)،^۱ سر برتری آدم، سجده ملائکه و

۱. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»

۲. واژه «خَلِيفَةً» از ریشه «خَلَفَ» به تعداد ۱۲۷ بار (با مشتقات مربوطه) و به معنای پشت و بعد هر چیزی است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۹)

۳. واژه «الدِّمَاءِ» جمع «دم» است و لام آن حذف شده است. اصل آن دمی با یای در انتهایست، زیرا مثنای آن دمیان است. (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۳)

۴. واژه «نُسِّخَ» از ریشه «سَخَّ» به معنای حرکت سریع در آب یا هواست (شنا کردن). (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۲۰).

۵. همان منبع ۱.

سرپیچی ابلیس، چگونگی وجود آنان، سکونت آدم در بهشت و حقیقت آن و هبوط و راه صعود آدم، همه محل پرسش‌های مهم و از اسرار قرآنی است. ضمن اینکه این آیات در بردارنده تمثیل و بیانی شگفت‌انگیز است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۳). سجده ملائکه و امتناع ابلیس از آن (بقره: ۳۴)،^۲ واقعه‌ای بود که در فاصله گفت‌وگوی خداوند متعال: (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) و فرمایش دیگرش: (أَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ) واقع شده است. همچنین از آن استفاده می‌شود که به خاطر چه سری جمله (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) را بار دوم به جمله (إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) مبدل کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۳). در گفت‌وگوی دیگر، بنی اسرائیل با صاعقه و زمین لرزه مجازات شدند تا دیگر بهانه‌گیری نکنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۷۵). در آزمون الهی دیگری به آنان دستور ورود به اجتماع و تمدن صادر می‌شود که با مخالفت آشکار و سرپیچی بنی اسرائیل مواجه می‌گردد (رضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۴) و چون بنی اسرائیل سخنی به‌غیر از آنچه دستور داشتند گفتند، به آن فسق کردند. ابوالفتوح رازی در تفسیر این واقعه می‌نویسد: «وَ أَصْلُ الْفُسُوقِ الْخُرُوجُ مِنَ الشَّيْءِ، وَ الْفَاسِقُ سَمِّيَ بِذَلِكَ لِخُرُوجِهِ عَنِ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۰۵). در ادامه، معجزه الهی رخ داد و از سنگ، دوازده چشمه آب بیرون آمد.

۲-۴. آزمون‌های بنی اسرائیل و پیام‌های الهی به ایشان

کفر بنی اسرائیل نسبت به آیات الهی و قتل پیامبران بی‌گناه، باعث شد بر آن‌ها عذاب‌هایی مانند ذلت و مسکنت و غضب الهی نازل شود. این نشان‌دهنده نزول پیامد رفتارهای نادرست و نافرمانی از دستورات خداوند است. خداوند متعال در آیه ۶۵ بقره^۳ با آزمون ویژه دیگری، به افرادی اشاره دارد که از فرمان الهی در روز شنبه تخلف کردند و به جای عبادت و استراحت در این روز، به کارهای دنیوی و صید ماهی پرداختند. خداوند به‌عنوان مجازات، آنان را به میمون‌هایی طردشده و رانده‌شده تبدیل کرد. این آیه یک هشدار و درس عبرت برای انسان‌هاست که در برابر دستورات الهی سرکشی نکنند؛ زیرا خداوند عواقب سختی برای چنین رفتارهایی در نظر می‌گیرد (رضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴۴). به عقیده صاحب کشف، گفت‌وگوی خداوند متعال در آیه ۶۸ بقره^۴ و دستور به بنی اسرائیل می‌آموزد که برای حل مسائل خود باید به دستورات خداوند توجه کنند و در برابر آن شک و تردید نوزند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۲). در ادامه مباحثه بنی اسرائیل با موسی (ع)، خداوند در آیه ۶۹ بقره^۵ با پیامی تربیتی و اخلاقی فرمان می‌دهد که بدون تأخیر و تردید، دستور خداوند را اجرا کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۳).

۳-۴. دستورات الهی، هشدارها و عبرت‌ها

در آیه ۷۱ بقره^۶ خداوند متعال به طور ضمنی بر اهمیت اطاعت بی‌چون‌وچرا از دستورات الهی تأکید می‌کند. همچنین این آیه به مؤمنان می‌آموزد که در اعمال عبادی و دینی باید به کمال و صحت عمل توجه کنند و آن را به بهترین شکل انجام دهند تا مورد رضایت و قبول خداوند قرار گیرد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۶۸). به‌عنوان مثال، در تفسیر میزان چنین استنباط شده است که در آیه ۷۳ بقره^۷ مقوله‌هایی از قبیل آغاز معجزه الهی، نشان دادن قدرت و حکمت خدا، لزوم تعقل در آیات الهی، چگونگی گفت‌وگوی اخلاقی خداوند

۱. وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

۲. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ...

۳. وَ لَقَدْ عَلَّمْتُمُ الدِّينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ.

۴. قَالُوا اذْغُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِصَ وَلَا بَكْرٌ عَوَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فَاذْعُوا مَا تُؤْمَرُونَ.

۵. قَالُوا اذْغُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْبَعْ لَوْثُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ.

۶. قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذُلُولَ تُبَيِّرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرَّتَ مُسَلِّمَةٌ لَا شَيْءَ فِيهَا ...

۷. فَقُلْنَا اضْرِبُوهَا بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

متعال و درس عبرت به بنی اسرائیل بیان شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۳). همچنین در آیه ۷۹ همین سوره^۱ گفت‌وگوی خداوند متعال به کسانی اشاره دارد که کتاب‌های آسمانی را تحریف می‌کنند و به نام وحی الهی مطالبی را جعل و برای منافع دنیوی از آن استفاده می‌نمایند. خداوند در این آیه به شدت نسبت به چنین رفتارهایی هشدار داده و از آن‌ها به‌عنوان عملی بسیار ناپسند و بی‌ارزش یاد کرده است. این آیه به مسلمانان یادآوری می‌کند که نباید از آموزه‌های دینی دستکاری شده و محرف پیروی کنند و باید از حقیقت دین به‌درستی پیروی نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۷). پیام این آیه، هشدار نسبت به عواقب تحریف دین و تأکید بر پیروی از حقیقت ناب الهی است.

۴-۲-۴. نفاق، برتری طلبی و دشمنی با وحی

تفسیر المیزان ذیل آیه ۹۱ سوره بقره^۲ رفتار نفاق‌آمیز اهل کتاب را نقد و بررسی کرده است. اهل کتاب در ظاهر به برخی از پیام‌های الهی ایمان دارند، اما در عمل از پذیرش حقیقتی که در قرآن آمده است سرباز می‌زنند. آن‌ها با کفر به قرآن که همانند پیام‌های پیشین است، به خودشان ظلم می‌کنند و رفتارشان نشان‌دهنده نفاق در ایمان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۴). علاوه بر مسئله نفاق، قرآن به برتری طلبی نابجای برخی از اهل کتاب نیز می‌پردازد. آیه ۹۴ سوره بقره^۳ به‌طورکلی به نقد و رد ادعای یهودیان و دیگر کسانی می‌پردازد که خود را در دار آخرت ممتاز از دیگران می‌دانستند. خداوند از آنان می‌خواهد تا اگر ادعای برتری دارند و دار آخرت مختص به آنان است، مرگ را آرزو کنند. این آیه به این نکته اشاره دارد که برتری و مقام ویژه نزد خداوند، نه به نژاد یا قومیت، بلکه به ایمان و عمل صالح بستگی دارد (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۹). از دیگر اشکالاتی که قرآن به آن اشاره می‌کند، دشمنی با فرشته وحی است. خداوند در آیه ۹۷ سوره بقره^۴ به‌وضوح بیان می‌کند که دشمنی با حضرت جبرئیل دشمنی با وحی الهی است و این دشمنی به‌نوعی دشمنی با پیامبر ﷺ و با خداوند محسوب می‌شود. جبرئیل به‌عنوان واسطه وحی، همواره پیام‌های الهی را به پیامبران رسانده و قرآن نیز که از سوی او به پیامبر اکرم ﷺ نازل شده، هدایت و بشارتی برای مؤمنان است. بنابراین، این آیه نه تنها از اهمیت جبرئیل و وحی قرآن سخن می‌گوید، بلکه پاسخی روشن به کسانی است که از دشمنی با جبرئیل سخن می‌گفتند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۳۹).

۴-۲-۵. تعصبات دینی و مقام امامت

فخر رازی در تفسیر آیه ۱۱۱ سوره بقره^۵ اعتقاد دارد این آیه به‌طورکلی در رد باورهای تعصب‌آمیزی است که برخی از اهل کتاب داشتند و معتقد بودند تنها آن‌ها به بهشت می‌روند. درحقیقت، این آیه تأکید می‌کند که مسیر ورود به بهشت به‌هیچ‌وجه محدود به یک قوم یا دین خاص نیست و هرکس باید به‌طور فردی عمل صالح انجام دهد و از خداوند پیروی کند؛ همچنین هیچ ادعای دینی بدون دلیل و برهان پذیرفته نیست و باید از هر فردی که چنین ادعاهایی می‌کند، دلیل و برهان خواسته شود (فخر رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۷). در ادامه نقد باورهای نادرست، آیات بعد به دیگر شبهات می‌پردازد و دو مؤلفه مهم توحید در آفرینش و قدرت مطلقه در تدبیر عالم را طی گفت‌وگوی خداوند متعال در آیه ۱۱۷ سوره بقره^۶ بیان می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۲). مکارم شیرازی آیه ۱۱۸ سوره بقره^۷ را در رد

۱. قَوْلِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ...

۲. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَزْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ ...

۳. قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ ...

۴. قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ.

۵. وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

۶. بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

۷. وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ...

درخواست‌های افراد فاقد علم و معرفت درست می‌داند. این افراد می‌خواهند خداوند به‌طور مستقیم با آن‌ها سخن بگوید، یا معجزات آشکارتری برایشان بفرستد. خداوند در این آیه نشان می‌دهد که چنین درخواست‌هایی ناشی از جهل و ناآگاهی است؛ چراکه آیات و نشانه‌های الهی برای کسانی که ایمان دارند، به وضوح و روشنی بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۲۳). اوج این مباحث در آیه امامت نمایان می‌شود. المنار در تفسیر آیه امامت (بقره: ۱۲۴) به توضیح مقام امامت پرداخته و نشان داده است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از امتحان‌های سخت از سوی خداوند، به مقام رهبری و هدایت مردم رسید. این مقام مسئولیت سنگینی دارد و به کسانی داده می‌شود که ضمن برخورداری از ویژگی‌های انسانی چون علم و تقوا، از ظلم و فساد نیز دور باشند. در پاسخ به درخواست ابراهیم علیه السلام برای انتساب این مقام به نسل او، خداوند اعلام می‌کند که این مقام به هرکسی از نسل او که ظالم باشد، نخواهد رسید. این امر تأکیدی بر شایستگی‌های اخلاقی و دینی برای دریافت مقام رهبری و هدایت است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۵۵).

۳-۴. گفت‌وگوهای بنی اسرائیل

۱-۳-۴. ایمان حقیقی و هشدارهای قرآن

رشید رضا در تفسیر المنار از شلتوت اینگونه نقل می‌کند که درخواست دیدن خدا، نشانه‌ای از کم‌فهمی و سطحی‌نگری قوم بنی اسرائیل بود. آن‌ها گمان می‌کردند که دیدن خداوند به‌صورت محسوس، نشانه‌ای از قدرت خدا و دلیلی برای ایمان است. این در حالی است که ایمان به خداوند باید از طریق شناخت قلبی آیات خداوندی در جهان اطراف به دست آید، نه از طریق دیدن مستقیم خداوند. آیه ۵۵ سوره بقره^۲ به کسانی که در برابر آیات الهی تعلل می‌کنند و خواسته‌های غیرمعقول و نادرستی دارند، هشدار می‌دهد. قوم بنی اسرائیل که با دیدن معجزات متعددی از حضرت موسی علیه السلام، همچنان ایمان نمی‌آوردند و خواستار دیدن خداوند به‌صورت آشکار بودند، با عذاب الهی روبه‌رو شدند؛ تا درسی برای کسانی باشد که ایمان آن‌ها وابسته به معجزات محسوس است. این آیه نشان‌دهنده این نکته است که ایمان حقیقی باید از طریق درک معانی عمیق و شناخت عمیق آیات الهی باشد و نه صرفاً بر اساس مشاهده حسی و تجربیات سطحی (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۲). نمونه دیگری از هشدارهای قرآن به بنی اسرائیل، آیه ۵۹ همین سوره^۳ است. این آیه هشدار می‌دهد که هرگونه تحریف و تغییر در دستورات الهی و نافرمانی از آن‌ها، بدون عذاب نخواهد ماند. این عذاب می‌تواند به صورت‌های مختلفی همچون ابتلا به امراضی مثل طاعون، یا افول در معنویات نمایان شود. علامه طباطبایی در تفسیر خود تأکید می‌کند که فسق و ظلم نسبت به دستورات الهی، نه تنها موجب سقوط فردی می‌شود، بلکه می‌تواند عواقب اجتماعی و تاریخی سختی داشته باشد. این آیه همچنین نشان می‌دهد دستور خداوند برای افراد یا اقوام، برای حفظ نظم اجتماعی و دینی و درنهایت هدایت به سوی حقیقت است. هرگونه نافرمانی از این دستورات، نه تنها به فساد شخصی، بلکه به فساد عمومی خواهد انجامید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰).

۲-۳-۴. پرهیز از ریاکاری و سرکشی

خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره بقره^۴ ضمن گفت‌وگوی دیگری به مسلمانان هشدار می‌دهد که باید قدر نعمت‌های الهی را بدانند و در برابر خداوند سرکشی نکنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۶). در ادامه هشدارهای الهی، آیه ۷۶ سوره بقره به یکی از ریشه‌های

۱. وَإِذِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ يُكَلِّمُهُ فَاتَّمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

۲. وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْنَاكُمُ الصَّاعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ.

۳. فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ.

۴. وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ

سرکشی، یعنی ریا و دورویی می‌پردازد.^۱ تفسیر کشاف به ریاکاری و رفتار دوگانه برخی از یهودیان اشاره دارد که از یکسو در جمع مؤمنان خود را مسلمان و مؤمن نشان می‌دادند و از سوی دیگر در خلوت در تلاش بودند تا حقیقت را مخفی کنند و از محاجه با مسلمانان فرار نمایند. این امر نشان‌دهنده فقدان صداقت و پنهان‌کاری است که در نهایت موجب گمراهی خود و دیگران می‌شود. در نهایت، خداوند در این آیه از آن‌ها می‌خواهد از این نوع رفتارها پرهیز کنند و حقیقت را بپذیرند و از طریق آن عقل و حکمت را درک نمایند. تفسیر کشاف تأکید می‌کند که چنین رفتارهایی نشانه‌ای از ضعف ایمان و فقدان صداقت است که نهایتاً موجب سرگستگی و تضاد در رفتار و گفتار افراد می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۵۷). آیه ۸۰ این سوره^۲ علاوه بر ریا به یک باور نادرست دیگر اشاره می‌کند و آن احساس مصونیت از عذاب الهی است. این آیه به روشنی نشان می‌دهد که یهودیان در آن زمان به اشتباه فکر می‌کردند که به دلیل جایگاه ویژه و ویژگی‌های خاص خود و گمان به اینکه خداوند برای آن‌ها فضل و بخشش ویژه‌ای قائل است، از عذاب الهی ایمن خواهند بود. ولی خداوند با پاسخ به این ادعا، آن‌ها را از این تصور غلط آگاه فرمود و اعلام کرد که هیچ‌کس از عذاب الهی در امان نخواهد بود، مگر آنکه حقیقتاً در مسیر ایمان و عمل صالح حرکت کند: «آیا شما نزد خداوند عهدی گرفته‌اید که آتش به شما نرسد؟!» این پرسش از آن‌ها برای نشان دادن اشتباه بودن ادعایشان است؛ زیرا آن‌ها هیچ‌گونه عهد قطعی و قابل‌اعتمادی از خداوند در این خصوص نداشتند. این آیه همچنین بر لزوم توجه به حقیقت و پرهیز از ادعای نادرست در خصوص خداوند و امور مربوط به دین تأکید دارد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴). نتیجه منطقی چنین سرکشی و باور نادرستی، در آیه ۸۸ سوره بقره^۳ ترسیم شده است. قفل شدن دل‌ها و محرومیت از درک حقیقت به تحلیلی از وضعیت روحی و روانی گروهی از اهل کتاب به‌ویژه یهودیان می‌پردازد که به دلیل سرکشی و کفر، از پذیرش حق بازماندند و دل‌هایشان بسته شد. این آیه به‌ویژه به این نکته اشاره می‌کند که سرسختی در برابر پیام‌های الهی و انکار مداوم آن می‌تواند منجر به سخت شدن دل‌ها و ناتوانی از درک حقیقت شود (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۸۰). می‌توان از این آیه برای مسلمانان نیز درس گرفت؛ اینکه از خداوند بخواهند دل‌هایشان را از انکار و گمراهی محفوظ بدارد و در مسیر جست‌وجوی حقیقت قرار گیرند.

۳-۳-۴. نقد رفتارهای نفاق‌آمیز و اشتباهات دینی در آیات قرآن

آیه ۹۱ سوره بقره^۴ به‌صورت روشن رفتار یهودیان را که از پذیرفتن قرآن و پیامبر اکرم ﷺ خودداری می‌کردند، نقد می‌کند. این رفتار ناشی از تعصب و لجاجت است و بر تناقض‌گویی و پذیرش تنها آنچه مطابق با خواسته‌های خودشان است، تأکید دارد. همچنین این آیه به آن‌ها یادآوری می‌کند که حتی اگر به کتاب‌های قبلی ایمان دارند، باید در برابر وحی جدید نیز تسلیم شوند؛ زیرا این وحی تأییدکننده و مصدق حقیقت‌هایی است که قبلاً آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۶). در ادامه نقد رفتارهای نادرست، آیه ۹۳ سوره بقره^۵ به سرسختی و نقض عهد بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند. این آیه به‌شدت بر مخالفت بنی‌اسرائیل با دستورات خداوند، علی‌رغم دریافت معجزات و تهدیدات الهی، تأکید می‌کند. رفتار آنان نشان می‌دهد که به‌رغم ادعای ایمان، در عمل به‌طور جدی از دستورات الهی سرپیچی کرده‌اند. این آیه پرستش‌گوساله سامری را به‌عنوان نمادی از کفر درونی و فساد ایمان در دل‌های آنان، نشان داده است. آیه به این نکته اشاره دارد که ایمان واقعی نه تنها در کلام، بلکه در عمل و رفتار آنان هم باید منعکس شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۶). این

۱. وَإِذْ لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغُسْنِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.

۲. وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

۳. وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ.

۴. وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَبِكُفْرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ ...

۵. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ...

نقدها تنها محدود به رفتار با پیامبر اکرم ﷺ نیست. آیه ۱۱۳ سوره بقره^۱ به اختلافات و تعصبات بیهوده درونی اهل کتاب می‌پردازد. آیت الله طالقانی به نکات مهمی، از جمله نادانی و تکبر دو گروه یهود و نصارا با یکدیگر در مورد دین اشاره می‌کند؛ به این معنا که هر دو گروه تنها خود را اهل حق می‌دانند و دیگری را در اشتباه می‌بینند. با این حال، خداوند آن‌ها را از این اختلافات بی‌اساس نهی می‌کند و در نهایت یادآوری می‌کند که در روز قیامت خداوند خواهد بود که میان آن‌ها داوری می‌کند (پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۳). از دیگر اشکالات اعتقادی که آیه ۱۱۶ سوره بقره^۲ به آن پاسخ می‌دهد، نسبت دادن فرزند به خداست. به گفته قرائتی، این آیه به معنای رد ادعای کسانی است که به خداوند فرزند نسبت می‌دهند و در عین حال تأکید دارد که خداوند منزله از داشتن فرزند است. درحقیقت، این آیه علاوه بر رد عقاید نادرست، به مفهوم عمیق‌تر توحید و سلطنت مطلق الهی اشاره دارد که در آن هیچ‌گونه شریک و نظیری برای خداوند وجود ندارد و همه موجودات تحت فرمان و اراده او قرار دارند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۹).

۴-۴. گفت‌وگوهای حضرت موسی ﷺ

۱-۴-۴. لزوم تسلیم در برابر دستورات الهی

خداوند در آیه ۶۷ سوره بقره^۳ به‌عنوان یک پیام تربیتی و آموزشی به مسلمانان یادآور می‌شود که حضرت موسی ﷺ با واکنش به اعتراضات بنی اسرائیل نشان داد که در برابر دستورات الهی باید با ادب و احترام برخورد کرد و نباید از این دستورات شکایت داشت یا به سخره گرفت (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۹). آیه ۶۸ سوره بقره^۴ به چند نکته مهم اشاره دارد:

تسلیم نشدن بنی اسرائیل در برابر دستور خداوند: تفسیر المیزان این آیه را نشان‌دهنده تسلیم نشدن بنی اسرائیل در برابر دستور الهی می‌داند. آن‌ها به جای اینکه به‌سادگی فرمان خدا را اجرا کنند، خواستند که جزئیات بیشتری از ویژگی‌های گاو را بدانند. این رفتار نشان‌دهنده تردید و سوءظن آنان نسبت به حکم الهی است.

لزوم پیروی از دستورات خداوند: این آیه همچنین بر لزوم اطاعت از دستورات الهی و نداشتن تأخیر و تردید در اجرای آن تأکید دارد. حضرت موسی ﷺ از سوی خداوند به بنی اسرائیل می‌گوید، ویژگی‌های گاو مشخص است و باید بدون هیچ‌گونه تأمل و تردید عمل کنند. حکمت الهی در جزئیات دستورات: ویژگی‌های گاو موردنظر نه بر اساس خواست شخصی یا توجه به موارد ظاهری، بلکه بر اساس حکمت الهی و مصلحت‌های خاص تعیین شد. این آیه به‌نوعی نشان می‌دهد که حتی در امور به‌ظاهر ساده، دستورهای الهی دارای عمق و حکمت خاص خود است که باید به‌طور دقیق رعایت شود؛ همچنین نشان‌دهنده تسلیم نبودن و بی‌اعتمادی بنی اسرائیل به دستورات الهی است و بر لزوم اطاعت بی‌چون‌وچرا از دستورات الهی تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۰۰).

۲-۴-۴. دقت و اطاعت بی‌چون‌وچرا از دستورات الهی

تفسیر آیه ۶۹ سوره بقره^۵ در تفسیر المیزان، به‌وضوح نشان‌دهنده دقت در اجرای دستورات الهی است. خداوند حتی رنگ گاو را به‌صورت دقیق تعیین کرد تا هیچ‌گونه تردید یا خطایی در شناسایی آن وجود نداشته باشد. این دستور که از سوی حضرت موسی ﷺ به بنی اسرائیل منتقل شد، همچنین تأکیدی است بر لزوم پیروی بی‌چون‌وچرا از دستورات الهی و نشان‌دهنده حکمت و علم بی‌پایان خداوند

۱. وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُمْ يَتَّبِعُونَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...

۲. وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَ بَلْ لَمْ يَكُن لَّهُ فَايَةٌ.

۳. وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً فَقَالُوا لَنْ نَذْبُحَهَا هِزْبًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.

۴. قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصَ وَلَا بَكَرٌ عِوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ.

۵. قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ.

در تنظیم قوانین و دستورات برای بندگانش است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۱). با وجود این دقت بیان، آیه ۷۰ سوره بقره^۱ نشان می‌دهد بنی اسرائیل باز هم به تردید خود ادامه دادند. گفت‌وگوی خداوند متعال، به طور خاص به رفتار شکاکانه و تردیدآمیز بنی اسرائیل در برابر دستورات الهی می‌پردازد و درخواست‌های مکرر آنان از حضرت موسی علیه السلام برای تعیین دقیق‌تر ویژگی‌های گاو، نشان‌دهنده ناآگاهی یا بی‌صبری آنان در پذیرش دستورات خداوند است. این آیه در نهایت به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید به دستورات خداوند بدون شک و تردید عمل کنند و به اراده و حکمت الهی اعتماد داشته باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۰).

۴-۵. سایر گفت‌وگوها

۴-۵-۱. مواجهه موجودات با فرمان الهی؛ از ملائکه تا بنی اسرائیل

آیه ۳۲ سوره بقره^۲ بیانگر تسلیم و اطاعت ملائکه از علم و حکمت الهی است. ملائکه با گفتن «سُبْحَانَكَ» و اعتراف به محدودیت علم خود، در واقع به حکمت خداوند در آفرینش انسان و ارائه علم به او اذعان کردند. علامه طباطبایی بر این باور است که این آیه علاوه بر بیان محدودیت علم ملائکه، بر علم و حکمت بی‌پایان خداوند تأکید دارد و به معنای پاسخ‌دهی به سؤالات آن‌ها در مورد انسان و جایگاه اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۸). نمونه دیگری از برخورد با مخلوقات که نیازمند توبه و بازگشت بود، در آیه ۵۴ سوره بقره^۳ و در مورد بنی اسرائیل نمایان می‌شود. تفسیر کشاف، به نحوه توبه بنی اسرائیل و دستورات حضرت موسی علیه السلام به قوم خود اشاره دارد. این آیه نشان می‌دهد که توبه واقعی نیاز به جبران عملی گناهان دارد و پس از آن خداوند با رحمت و آمرزش خود به بندگانش باز می‌گردد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۱). در مقابل توبه صادقانه، آیه ۷۶ سوره بقره^۴ به تحلیل رفتارهای ریاکارانه می‌پردازد که مانع اصلی توبه و ایمان حقیقی است. تفسیر مجمع‌البیان، به نقد رفتار ریاکارانه و دوگانه برخی از یهودیان اشاره دارد که در ظاهر خود را مسلمان نشان می‌دادند، اما در باطن قصد داشتند مسلمانان را از مسیر حقیقت منحرف کنند و در روز قیامت علیه آن‌ها حجت بیاورند. همچنین، این آیه به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید با عقل و فطرت صحیح با مسائل دینی برخورد کنند و از تفرقه‌افکنی و ریاکاری‌های کسانی که قصد ایجاد شک و تردید در ایمان دارند، اجتناب کنند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۹).

۴-۵-۲. هشدارهای قرآن در برابر انحرافات فکری و اجتماعی

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۰۲ سوره بقره^۵ به‌طور کلی اعتقاد به سحر و جادو را رد و آن را نه تنها عملی باطل و زیان‌آور معرفی می‌کند، بلکه به مردم هشدار می‌دهد که نباید به سحر توجه کنند؛ زیرا این علم هیچ سودی ندارد و تنها به ضرر آن‌ها خواهد بود. این آیه تأکید می‌کند که همه چیز به اذن خداوند است و هیچ چیزی نمی‌تواند بدون خواست الهی به کسی ضرر بزند. در نتیجه، مؤمنان باید در زندگی خود به جای سحر و جادو، به ایمان به خدا و اعتماد به اراده الهی روی آورند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۳۶). قرآن افزون بر هشدار در برابر انحرافات مانند سحر، به نزاع‌های فکری و مذهبی نیز می‌پردازد که ریشه در دوری از حقیقت دارد. به گفته تفسیر المیزان، آیه ۱۱۳ سوره بقره^۶ به نوعی بیانگر اختلافات دینی و مذهبی است که نه تنها در میان یهودیان و مسیحیان، بلکه به‌طور کلی در میان انسان‌ها

۱. قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ.

۲. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.

۳. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَالَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

۴. وَإِذْ لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضُوبِهِمْ إِلَى بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاوِرَكُمْ بِهِ وَعِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَتَّقُونَ.

۵. وَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مَلِكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ... وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...

۶. وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَالنَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودَ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ.

وجود دارد. این اختلافات به دلیل ناآگاهی از حقیقت و بی‌اطلاعی از آنچه در کتاب‌های آسمانی واقعی آمده است، به وجود می‌آید. خداوند در روز قیامت میان این اختلافات حکم و حقیقت را آشکار خواهد کرد. این آیه در حقیقت انتقاد از تفسیرهای نادرست و تعصبات مذهبی است که باعث می‌شود افراد از حقیقت فاصله بگیرند. در نهایت نیز خداوند در روز قیامت حکم قطعی را صادر می‌کند تا اختلافات آن‌ها پایان یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۶۰).

۵. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف تبیین سیر «خلافت تا عهد» از طریق تحلیل آیات قرآن کریم انجام می‌شود و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها، کتابخانه‌ای است. در این راستا، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل زمینه‌ای)، آیات مرتبط با خلافت و امامت بررسی و نتایج از آن استنباط می‌شود. قلمرو موضوعی این پژوهش، محدود به مفاهیم «خلافت» و «امامت» در قرآن کریم است. قلمرو مکانی آن به دلیل ماهیت کتابخانه‌ای تحقیق مکان خاصی را شامل نمی‌شود. قلمرو زمانی پژوهش نیز، آیات قرآن در عصر نزول و نیز دیدگاه‌های مفسران در ادوار مختلف، به‌ویژه دوران ائمه معصومین علیهم‌السلام و مفسران متقدم و معاصر را دربر می‌گیرد. منابع و مصادیق اصلی این پژوهش، آیات قرآن کریم به‌ویژه آیات سوره بقره و تفاسیر معتبر و مرتبط با موضوع خلافت و امامت است.

۵-۱. تحلیل کیفی

این مقاله با روش «تحلیل زمینه‌ای» و طی مراحل زیر انجام گرفته است:

مرحله اول: داده‌های ورودی به نرم‌افزار مکس کیودا برای تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها. برای تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها، کلیه مطالعات انجام‌شده در ادبیات تحقیق، به‌عنوان ورودی داده‌های اطلاعاتی به نرم‌افزار مکس کیودا معرفی و کدگذاری انجام شد. نتیجه حاصل شده استخراج ۶۸ کد بوده است.

مرحله دوم: استخراج مقوله‌ها. پس از پالایش و ویرایش کدهای استخراج‌شده در مرحله اول و تعداد یازده مقوله به تعداد تکرار ۶۸ مرتبه در آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره، با مفاهیم گفت‌وگوی خداوند متعال، حضرت ابراهیم علیه‌السلام، ستمکاران، فرشتگان، قوم موسی علیه‌السلام، مشرکان، حضرت موسی علیه‌السلام، نادانان، نصاری، هاروت و ماروت و یهودیان شناسایی شد.

مرحله سوم: تجزیه و تحلیل داده‌ها (کدگذاری باز، استخراج تمامی کدها). در این مرحله، نسبت به احصاء کدها، مفاهیم و مقوله‌های موجود در بطن آیات پرداخته کرده‌ایم. شرح اقدامات این مرحله به‌قرار زیر است:

الف) گفت‌وگوهای خداوند متعال: توجه به مقوله گفت‌وگوهای خداوند متعال با مفاهیم فرشتگان، حضرت آدم علیه‌السلام، بنی اسرائیل، حضرت موسی علیه‌السلام، یهودیان، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل ایمان، یهودیان و نصاری، قدرت خلقت، جاهلان و حضرت ابراهیم علیه‌السلام، نشان‌دهنده سیر قانون‌گذاری خداوند متعال از خلافت تا عهد، شامل آزمون‌ها و پیام‌های الهی برای بنی اسرائیل (حمایت و تدابیر، تا مجازات و عبرت‌ها)، دستورات الهی و هشدارها (لزوم اطاعت تا نقض میثاق)، نفاق، برتری طلبی و دشمنی با وحی (نقد رفتارهای اهل کتاب و اهمیت اطاعت از پیامبران)، تعصبات دینی و مقام امامت (تأکید بر شایستگی‌های اخلاقی و دینی در آیات قرآن)، به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: مقوله‌های گفت‌وگو با کد محوری خداوند متعال

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۳۴، ۳۳، ۳۱، ۳۰	گفت‌وگوی خداوند با فرشتگان	فرشته
۲	۳۸، ۳۶، ۳۵، ۳۳	گفت‌وگوی خداوند با حضرت آدم <small>علیه السلام</small>	حضرت آدم
۳	۹۱، ۸۳، ۵۸	گفت‌وگوی خداوند با بنی اسرائیل	بنی اسرائیل
۴	۹۳، ۹۱، ۸۰، ۷۱، ۶۹، ۶۸، ۶۰	گفت‌وگوی خداوند با حضرت موسی	موسی
۵	۹۴، ۸۰، ۷۹، ۶۵	گفت‌وگوی خداوند با یهودیان	یهود
۶	۷۳	گفت‌وگوی خداوند درباره قدرت خلقت	خلقت
۷	۱۲۰، ۱۱۱، ۹۷	گفت‌وگوی خداوند با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	پیامبر
۸	۱۰۴	گفت‌وگوی خداوند با اهل ایمان	اهل ایمان
۹	۱۱۳	گفت‌وگوی خداوند با یهودیان و نصاری	یهودیان و نصاری
۱۰	۱۱۷	گفت‌وگوی خداوند درباره قدرت خلقت	قدرت خلقت
۱۱	۱۱۸	گفت‌وگوی خداوند با جاهلان	جاهلان
۱۲	۱۲۴	گفت‌وگوی خداوند با حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	ابراهیم

ب) گفت‌وگوی حضرت ابراهیم علیه السلام: مقوله گفت‌وگوی حضرت ابراهیم علیه السلام در یک مورد و در آیه امامت با مفهوم خداوند متعال، نشان‌دهنده قبولی آن حضرت در آزمون‌های سخت برای رسیدن به مقام الهی به شرح جدول زیر است:

جدول ۲: مقوله‌های گفت‌وگو با کد محوری حضرت ابراهیم علیه السلام

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۱۲۴	گفت‌وگوی حضرت ابراهیم با خداوند	خداوند

ج) گفت‌وگوی قوم بنی اسرائیل با خداوند متعال و حضرت موسی علیه السلام: مقوله گفت‌وگوی قوم بنی اسرائیل در سه مورد، نشان‌دهنده آزمون الهی و ناسپاسی و مردود شدن قوم بنی اسرائیل در این آزمون به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳: مقوله‌های گفت‌وگو با کد محوری بنی اسرائیل

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۱، ۵۵	گفت‌وگوی بنی اسرائیل با موسی	موسی
۲	۵۹	گفت‌وگوی نادرست بنی اسرائیل	خداوند
۳	۶۱	گفت‌وگوی حضرت موسی با بنی اسرائیل	موسی

د) کدهای برگرفته از مقوله گفت‌وگوی ستمکاران با مفهوم تحریف: مقوله گفت‌وگوی ستمکاران با مفهوم تحریف نشان‌دهنده آزمون الهی و ناسپاسی و مردود شدن ستمکاران در این آزمون به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴: مقوله‌های گفت‌وگو با کد محوری ستمکاران

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه	کد اولیه
۱	۵۹	گفت‌وگوی ستمکاران برای تحریف	استمکاران	اعمال

ح) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی فرشتگان با خداوند متعال: مقوله گفت و گوی ستمکاران با خداوند متعال نشان دهنده تشریح قانون گذاری الهی در امر خلافت به شرح جدول ۵ است:

جدول ۵: مقوله های گفت و گو با کد محوری فرشتگان

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۳۰، ۳۲	گفت و گوی فرشتگان با خداوند	خداوند

و) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی حضرت موسی علیه السلام با قوم خود: مقوله گفت و گوی حضرت موسی علیه السلام با قوم خود نشان دهنده آزمون الهی و ناسپاسی و مردود شدن قوم او در این آزمون به شرح جدول ۶ است:

جدول ۶: مقوله های گفت و گو با کد محوری حضرت موسی علیه السلام

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۵۴، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱	گفت و گوی حضرت موسی با بنی اسرائیل	قوم حضرت موسی <small>علیه السلام</small>

ز) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی نادانان با خداوند متعال: مقوله گفت و گوی نادانان با خداوند متعال نشان دهنده آزمون الهی و ناسپاسی و مردود شدن نادانان در این آزمون به شرح جدول ۶ است:

جدول ۶: مقوله های گفت و گو با کد محوری نادانان

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۱۱۸	گفت و گوی افراد نادان با خداوند	خداوند

ح) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی نصاری با یهودیان: مقوله گفت و گوی نصاری با یهودیان نشان دهنده جدل بین نصاری و یهودیان در آزمون الهی و ناسپاسی و مردود شدن آنان در این آزمون به شرح جدول ۷ است:

جدول ۷: مقوله های گفت و گو با کد محوری نصاری

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۱۱۳	گفت و گوی نصاری با یهودیان	یهودیان

ط) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی هاروت و ماروت با یهودیان: مقوله گفت و گوی هاروت و ماروت با یهودیان نشان دهنده فتنه بین یهودیان در آزمون الهی مردم بابل و مردود شدن آنان در این آزمون به شرح جدول ۸ است:

جدول ۸: مقوله های گفت و گو با کد محوری هاروت و ماروت

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۱۰۲	گفت و گوی هاروت و ماروت با یهودیان	یهود

ی) کدهای برگرفته از مقوله گفت و گوی یهودیان: مقوله گفت و گوی یهودیان با خداوند متعال، خودشان، حضرت موسی علیه السلام، اهل ایمان، نصاری و مسیحیان نشان دهنده نفاق، بدعهدی، کفرگویی، قضاوت به ناحق، رد میثاق، افترا و دروغ گویی نسبت به خداوند متعال به شرح جدول ۹ است:

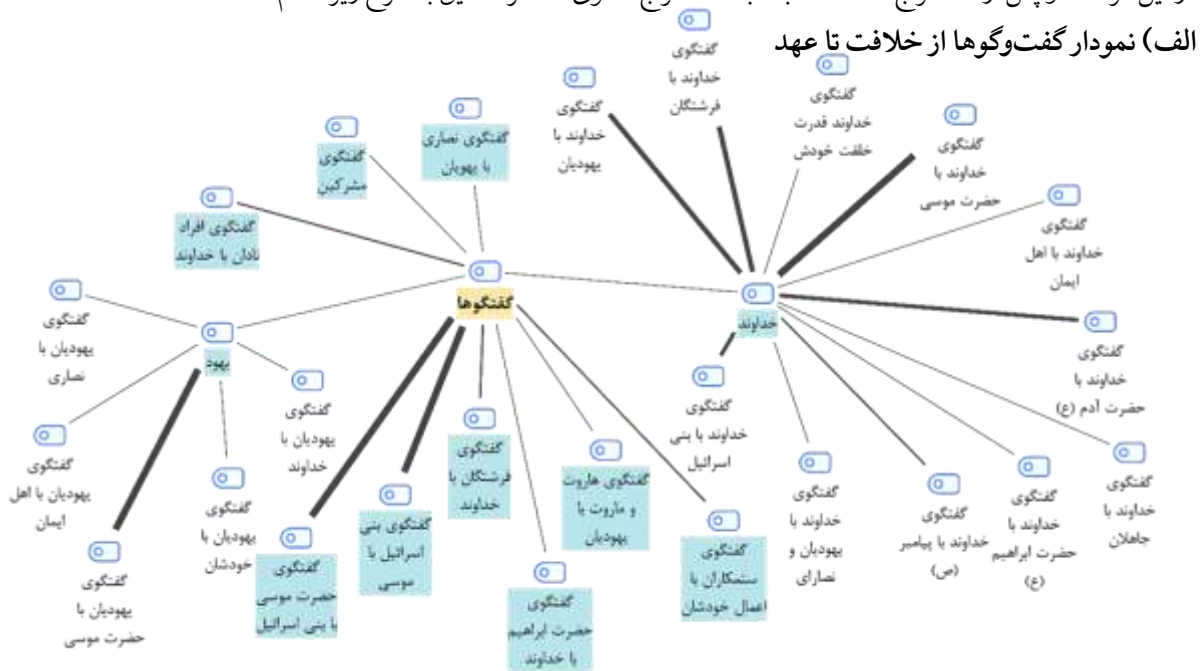
جدول ۹: مقوله‌های گفتگو با کد محوری یهودیان

ردیف	شماره آیه	مفهوم اصلی	کد اولیه
۱	۷۶	گفت‌وگوی یهودیان با اهل ایمان	اهل ایمان
۲	۷۶	گفت‌وگوی یهودیان با خودشان	خودشان
۳	۱۱۶، ۱۱۱، ۹۱، ۸۸، ۸۰	گفت‌وگوی یهودیان با حضرت موسی	موسی
۴	۹۳	گفت‌وگوی یهودیان با خداوند	خداوند
۵	۱۱۳	گفت‌وگوی یهودیان با نصاری	نصاری
۶	۱۱۳	گفت‌وگوی یهودیان با مسیحیان	مسیحیان

ک) تحلیل و تبیین نتایج جداول مرحله سوم: جداول ارائه شده در تحلیل کیفی، ابزاری برای دسته‌بندی و استخراج الگوی سیر تحول از خلافت به عهد در قرآن کریم است. این جداول نشان می‌دهد که مفاهیم خلافت، امامت و عهد در آیات مختلف قرآن چگونه به کار رفته و چه رابطه‌ای میان آن‌ها برقرار است. تحلیل داده‌های کیفی در این جداول این امکان را فراهم می‌سازد تا پیوستگی و سیر تدریجی این سه مفهوم در سیاق آیات بررسی شود. همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد، واژه «خلافت» بیشتر در سیاق «اختیار و مسئولیت الهی» مطرح شده است؛ در حالی که «عهد» با مفاهیمی چون «انتخاب الهی»، «ویژگی‌های خاص» و «تعهد درونی» همراه است. بررسی این جداول آشکار می‌سازد که «امامت» در قرآن جایگاهی فراتر از خلافت دارد و نتیجه یک فرآیند تکاملی در مسیر تحقق عهد الهی است. این یافته‌ها حاکی از آن است که امامت نه تنها ادامه خلافت، بلکه مرحله تکامل یافته‌تر آن است که تحت شرایط خاصی به افرادی برگزیده سپرده می‌شود. در نتیجه، جداول ارائه شده صرفاً نمایش داده‌های خام نیست؛ بلکه ابزاری برای تحلیل نظام‌مند مفاهیم قرآنی و یافتن الگویی مشخص برای تبیین سیر تحول از خلافت تا عهد محسوب می‌شود. این تحلیل کمک می‌کند تا علاوه بر شناخت بهتر این مفاهیم، زمینه‌ای برای پژوهش‌های بعدی در حوزه امامت و حکومت در قرآن نیز فراهم شود.

۱-۱-۵. مرحله چهارم: تجزیه و تحلیل دادها (استخراج الگوها)

در این مرحله و پس از استخراج کدها، نسبت به استخراج الگوی مدنظر تحقیق به شرح زیر اقدام شد:



نمودار ۲: گفت‌وگوها در خلافت تا عهد (خروجی نرم‌افزار مکس کیودا با مطالعه از طریق کد)

۶. یافته‌های تحقیق

- (۱) گفت‌وگوی خداوند متعال با حضرت موسی علیه السلام، نسبت به سایر گفت‌وگوها از میزان اهمیت بیشتری برخوردار است.
- (۲) به ترتیب، گفت‌وگوهای حضرت موسی علیه السلام با بنی اسرائیل و بالعکس، خداوند متعال با یهودیان و فرشتگان، و خداوند با حضرت آدم علیه السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- (۳) محوریت خداوند متعال در تبیین الگوی خلافت تا عهد، گفت‌وگو همراه با آزمون و امتحان الهی بود.
- (۴) تأکید ویژه قرآن بر تحول از خلافت تا عهد: حجم بالای کلمات در این ۹۴ آیه نسبت به سایر بخش‌های قرآن (۲۳/۲٪ کل کلمات)، نشان می‌دهد که این آیات از اهمیت محتوایی ویژه‌ای برخوردار است. این تمرکز خاص می‌تواند دلیلی بر جایگاه مهم مفاهیم خلافت، عهد و امامت در نظام فکری قرآن باشد.
- (۵) نقش واژگان نادر در تبیین مفاهیم اساسی: تعداد بالای کلمات نادری که تنها یک‌بار در قرآن آمده است، نشان می‌دهد که قرآن برای بیان مفاهیم مرتبط با خلافت و امامت از اصطلاحات خاصی بهره برده است. این ویژگی، ضرورت تحلیل عمیق‌تر این کلمات را برای فهم بهتر جایگاه امامت در قرآن نشان می‌دهد.
- (۶) پویایی و تحول مفاهیم در این آیات: نسبت بالای افعال (۳۳۲ فعل) در مقایسه با سایر اجزای سخن، بیانگر پویایی و حرکت در مفاهیم خلافت، عهد و امامت است. این نکته نشان می‌دهد که این مفاهیم نه تنها ایستا نیست، بلکه روندی تکاملی و پویا در بستر قرآن دارد.
- (۷) تمرکز بر هویت، تعهد و ویژگی‌های خاص امامت: بالا بودن تعداد اسامی (۴۷۹ مورد) نشان می‌دهد که این آیات بر ویژگی‌های شخصی، تعهدات الهی و مصادیق عینی تأکید دارد. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که قرآن امامت را نه فقط به‌عنوان یک مقام انتصابی، بلکه جایگاهی وابسته به ویژگی‌های خاصی از جمله علم و تقوا و عهد الهی معرفی کرده است.
- (۸) ضرورت تحلیل زبانی برای درک بهتر مفاهیم قرآنی: تحلیل این آیات نشان می‌دهد که مفاهیم خلافت و امامت در بستری از واژگان خاص و نسبت‌های کلامی معنادار شکل گرفته است؛ در نتیجه می‌توان گفت که مطالعه دقیق زبانی این بخش از قرآن، می‌تواند به استخراج الگوی مفهومی تحول از خلافت به عهد و امامت کمک کند.
- (۹) داده‌های آماری نشان می‌دهد قرآن کریم مفاهیم خلافت، عهد و امامت را با دقت زبانی و مفهومی خاصی مطرح کرده است. از این رو، تحلیل این مفاهیم در چهارچوب زبانی و ساختاری آیات، می‌تواند راهگشای درک دقیق‌تر جایگاه امامت در نظام الهی قرآن باشد.

نتیجه‌گیری

تحول مفهومی از خلافت تا عهد

- خلافت در قرآن با معنای نیابت و جانشینی الهی آغاز شده است (بقره: ۳۰)، اما طرح آن شروط خاصی ندارد.
- امامت (عهد) در آیه ۱۲۴ سوره بقره، پس از آزمون و اثبات شایستگی، به‌عنوان عهد الهی مطرح شده و شامل ویژگی‌هایی چون ایمان، علم، تقوا و اجتناب از ظلم است.
- این تحول نشان‌دهنده تکامل مسئولیت انسانی از یک مقام عام به یک مسئولیت خاص و سنگین‌تر و به‌گزینه‌ش الهی وابسته است.

شروط اساسی تحقق خلافت و رسیدن به عهد

- در قرآن، مسیر خلافت تا امامت (عهد) نیازمند گذر از آزمون‌های الهی است.
- عوامل کلیدی این تحول، ایمان، تقوا، علم لدنی، جهاد، استقامت و عدم ظلم است.
- بدون این شروط، خلافت تنها یک موقعیت ظاهری خواهد بود و به عهد الهی ارتقا نخواهد یافت.

نقش جامعه و پیروان در تحقق این الگو

- جامعه در تحقق این مسیر نقش مهمی دارد. پیروی از رهبران الهی و پذیرش ولایت آن‌ها، پیش‌نیاز تحقق الگوی خلافت تا عهد است.

- امتناع از اطاعت طواغیت و پذیرش ولایت الهی، از عوامل تأثیرگذار در این فرایند است.

تفاوت میان خلافت اعطایی و خلافت حقیقی (الهی)

- برخی افراد ممکن است به خلافت برسند، اما خلافت آن‌ها مورد تأیید الهی نباشد (مانند فرعون و نمرود).
- خلافت حقیقی تنها زمانی به عهد الهی تبدیل می‌شود که همراه با عدالت و رعایت قوانین الهی باشد.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی الگوی خلافت تا عهد

- این مدل در حاکمیت دینی و حکمرانی اسلامی بسیار تأثیرگذار است.
- جامعه‌ای که به سمت عهد حرکت کند، دارای ثبات و عدالت و امنیت خواهد شد؛ درحالی‌که خلافت بدون عهد، به استبداد و ظلم منتهی می‌شود.
- این الگو معیار مهمی برای شناخت مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها از دیدگاه قرآن است.

محدودیت‌های تحقیق

- محدودیت در منابع و تفاسیر: هرچند این تحقیق تلاش کرده است برای تحلیل آیات مرتبط با خلافت، عهد و امامت از تفاسیر معتبر قرآنی بهره ببرد، اختلاف نظرهای مفسران و تنوع روش‌های تفسیری ممکن است در برخی موارد باعث پیچیدگی تحلیل‌ها شود.
- چالش‌های زبانی و مفهومی: بررسی کلمات نادر قرآن و تحلیل زبانی آن‌ها نیازمند دقت بالایی است؛ زیرا معانی برخی واژگان تنها در بستر سیاق آیات مشخص می‌شود و ممکن است تفسیر آن‌ها وابسته به دیدگاه‌های مختلف لغوی و نحوی باشد.
- محدودیت در روش‌شناسی تحلیل کیفی: استفاده از روش تحلیل کیفی و نرم‌افزار MAXQDA در بررسی داده‌ها، به دلیل ماهیت تفسیری تحقیق، نیازمند تأویل‌های دقیق و اجتناب از سوگیری‌های شخصی است. با این حال، چون این روش در حوزه علوم قرآنی کمتر مورد استفاده قرار گرفته، ممکن است چالش‌هایی در تبیین خروجی‌های آن وجود داشته باشد.
- محدودیت در مقایسه تطبیقی با سایر نظام‌های فکری: این تحقیق عمدتاً به بررسی مفهوم خلافت، عهد و امامت در چهارچوب قرآن پرداخته و فرصت مقایسه تطبیقی آن با دیدگاه‌های فلسفی، تاریخی یا دیگر ادیان کمتر فراهم شده است.
- محدودیت در حجم و گستره تحقیق: به دلیل حجم گسترده موضوع و تمرکز بر آیات ۳۰ تا ۱۲۴ سوره بقره، امکان بررسی تمام آیات مرتبط با خلافت و امامت در سایر سوره‌های قرآن فراهم نبوده است. لذا این پژوهش یک مطالعه موردی دقیق است، اما برای تعمیم آن به کل قرآن، نیاز به مطالعات تکمیلی دارد.

با وجود این محدودیت‌ها، این تحقیق توانسته است چهارچوبی نوین برای بررسی تحول از خلافت به عهد و امامت ارائه دهد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، با استفاده از روش‌های مقایسه‌ای و بررسی گسترده‌تر سایر آیات قرآن، یافته‌های این تحقیق تکمیل گردد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

منابع

- قرآن کریم (محمدمهدی فولادوند، مترجم).
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۴۲۶ ق). جمهرة اللغة. مؤسسة الطبع والنشر التابعة للأستان الرضوية.
- ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. مكتب الإعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. دار صادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن. آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- آملی، سیدحیدر. (۱۴۲۲ ق). تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- امین، نصرت بیگم. (۱۳-). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان.
- باقلانی، ابوبکر. (۱۹۸۷ م). تمهید الأوائل وتلخیص الدلائل. مؤسسة الکتب الثقافیة.
- حسینی تهرانی، سیدهاشم. (۱۳۶۵). توضیح المراد. انتشارات مفید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. دار العلم الدار الشامیة.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۹۰). امامت در بینش اسلامی. مؤسسه بوستان کتاب.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المئار. دار المعرفة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). تفسیر قرآن مهر. نسیم حیات.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل. دار الکتب العربی.
- سزواری، هادی بن مهدی. (۱۴۲۱ ق). شرح نبراس الهدی فی أحكام الفقه وأسرارها (محسن بیدارفر، محقق). بیدار.
- سهروردی، شهاب الدین. (۱۳۷۵). مجموعة مصنفات شیخ اشراق. (هانری کرین، سیدحسین نصر، نجف‌قلی حبیبی، محققان). مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. فرهنگ اسلامی.
- صافی، محمود. (۱۴۱۸ ق). الجدول فی إعراب القرآن وصرفه وبیانه. دار الرشید.
- طالقانی، سیدمحمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، مرتضی. (۱۴۱۲ ق). معالم المدرستین. مؤسسة البعثة.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۱۰ ق). کتاب العین. نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ ق). القاموس المحيط. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- قرآتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ ق). لوامع صاحبقرانی. اسماعیلیان.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیة.
- یزدی مطلق (فاضل)، محمود. (۱۳۸۱). امامت پژوهی بررسی دیدگاه امامیه، معتزله و اشاعره. دانشگاه علوم اسلامی رضوی.


From Khilāfah to ‘Ahd: A Qur’anic Model of Conceptual Transformation

Somayeh Kerdari ¹  Abolfazl Khoshmanesh ² 

1. PhD Candidate in Quranic and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Associate Professor of Quranic and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

Corresponding Email: khoshmanesh@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440>

Introduction

In Qur’anic studies, tracing the developmental trajectory of the concepts of khilāfah, ‘ahd, and imāmah is of foundational significance. In verse 30 of Sūrat al-Baqarah, khilāfah appears as the initial representation of divine vicegerency, while verse 124 introduces imāmah as a divine ‘ahd granted only to the worthy. This transition from khilāfah to imāmah is also evident in the life of Ibrāhīm (as). Using qualitative analysis supported by MAXQDA, the present study examines verses 30–124 of Sūrat al-Baqarah. These verses contain 2,011 words, including 179 hapax legomena (1.8% of all rare Qur’anic vocabulary), a rate 1.7 times higher than average. This high concentration of specialized vocabulary underscores the linguistic and conceptual significance of this section. The study aims to uncover the Qur’anic model of progression from khilāfah to ‘ahd, emphasizing the central role of Qur’anic vocabulary and dialogue patterns in shaping this conceptual evolution.

Methodology

The study seeks to extract the trajectory from *khilāfah* to *‘ahd* directly from Qur’anic discourse. As a grounded-theory investigation oriented toward practical application, the study’s scope includes:

- **Temporal domain:** the Prophetic era, the period of the Imams (as) as true interpreters of the Qur’an, and subsequent scholarly exegetical tradition;
- **Spatial domain:** University of Tehran, Faculty of Theology;
- **Topical domain:** *khilāfah* and *imāmah*.

The corpus-Qur’anic verses and related exegesis-operates as the dataset through which the model is derived. The grounded-analysis method proceeds through:

1. Inputting textual data into MAXQDA for qualitative analysis;
2. Extracting conceptual categories;
3. Open coding and identifying all thematic nodes.

Findings

1. Patterns of Dialogue:

The most prominent dialogical interactions include: God with Mūsā (as); Mūsā with the Children of Israel; God with the Jews; God with the angels; and God with Ādam (as). These dialogues structure the conceptual movement from *khilāfah* to *‘ahd*.

2. Centrality of Divine Testing:

The Qur’anic pattern emphasizes divine dialogue coupled with trial and examination as the primary mechanism guiding the transition from *khilāfah* to *‘ahd*.



Conclusion

1. Conceptual Transformation from *Khilāfah* to 'Ahd

- *Khilāfah* in the Qur'an begins as a role of divine representation (2:30) without explicit conditions.
- *Imāmah* ('ahd) in 2:124 is presented as a divine covenant granted only after trial and demonstration of worthiness, marked by qualities such as faith, knowledge, piety, and freedom from injustice.
- This shift marks an evolution from a general human responsibility to a more select, divinely sanctioned mandate.

2. Essential Conditions for Attaining the 'Ahd

- The journey from *khilāfah* to *imāmah* requires passing divine tests.
- Key factors include faith, piety, divinely granted knowledge, striving, steadfastness, and the absence of injustice.
- Without these traits, *khilāfah* remains merely nominal and does not rise to the level of divine 'ahd.

3. Role of Community and Followers

- Community acceptance and obedience to divinely guided leaders are prerequisites for achieving the model.
- Rejecting tyrannical authority and embracing divine guardianship are essential components.

4. Distinction Between Granted and True (Divine) *Khilāfah*

- Some individuals may hold positions of leadership, yet lack divine approval (e.g., Pharaoh, Nimrod).
- True *khilāfah* becomes divine 'ahd only when combined with justice and adherence to divine law.

5. Socio-political Implications of the Model

- This conceptual trajectory has significant implications for Islamic governance.
- A society aligned with 'ahd enjoys stability, justice, and security, whereas *khilāfah* without 'ahd leads to oppression.
- The model thus provides a criterion for evaluating legitimacy and acceptability of governance from a Qur'anic perspective.

Keywords

Qur'an, divine khilāfah, Qur'anic dialogue patterns, qawl, 'ahd.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

- The Holy Qurān (trans. Muhammad-Mahdi Fooladwand).
- Abū al-Futūḥ al-Rāzī, Ḥ. b. 'A. (1988). *Rauḍ al-janān wa-rūḥ al-janān fī tafsīr al-Qur'ān*. Āstān-e Quds-e Raḍawī, Foundation of Islamic Research. [In Arabic]
- Ālūsī, M. b. 'A. (1994). *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'azīm wa-al-sab' al-mathānī*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn. [In Arabic]
- Amīn, N. B. (n.d.). *Tafsīr Makhzan al-'irfān fī 'ulūm al-Qur'ān*. Anjuman-e Ḥimāyat az Khānavādahā-ye Bīsarparast-e Esfahān. [In Persian]
- Āmulī, S. Ḥ. (2001). *Tafsīr al-muḥīṭ al-a'ẓam wa-al-baḥr al-khiḍm*. Ministry of Islamic Culture and Guidance Press. [In Persian]
- 'Askarī, M. (1992). *Ma'ālim al-madrasatayn*. Mu'assasat al-Ba'tha. [In Arabic]
- Bāqillānī, A. b. B. (1987). *Tamhīd al-awā'il wa-talkhīṣ al-dalā'il*. Mu'assasat al-Kutub al-Thaqāfiyya. [In Arabic]
- Farāhīdī, K. b. A. (1990). *Kitāb al-'ayn*. Nashr-e Hijrat. [In Arabic]
- Fīrūzābādī, M. b. Y. (1994). *Al-qāmūs al-muḥīṭ*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn. [In Arabic]
- Hosseini Tehrani, S. H. (1986). *Explanation of al-Murād*. Mofid Publications. [In Persian]
- Ibn Durayd, M. b. Ḥ. (2005). *Jamhārat al-lughā*. Mu'assasat al-ṭab' wa-al-nashr al-tābi'a li-al-Āstān al-Riḍawiyya. [In Arabic]
- Ibn Fāris, A. (1984). *Mu'jam maqāyīs al-lughā*. Maktab al-'Ilām al-Islāmī. [In Arabic]
- Ibn Manzūr, M. b. M. (1993). *Lisān al-'Arab*. Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Majlisī, M. T. (1993). *Lawāmi' Ṣāhibqarānī*. Ismā'īliyyān. [In Arabic]
- Makārim Shīrāzī, N. (1992). *Tafsīr-i Nemūneh*. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Persian]
- Muṣṭafawī, Ḥ. (1981). *Al-taḥqīq fī kalimāt al-Qur'ān al-karīm*. Bāngāh-e Tarjomeh va Nashr-e Ketāb. [In Arabic]
- Qarā'atī, M. (2009). *Tafsīr-i Nūr*. Markaz-e Farhangī-ye Dars-hā-ye az Qur'ān. [In Persian]
- Rabbānī Gulpāyḡānī, ' . (2011). *Imamate in Islamic Thought*. Bustan-e Ketab Publishing. [In Persian]
- Rāghhib al-Iṣfahānī, Ḥ. b. M. (1991). *Al-mufradāt fī gharīb al-Qur'ān*. Dār al-'Ilm, al-Dār al-Shāmiyya. [In Arabic]
- Rashīd Riḍā, M. (1993). *Tafsīr al-Qur'ān al-ḥakīm (Tafsīr al-Manār)*. Dār al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Rezaei Esfahani, M. ' . (2014). *Mehr Qur'ān Commentary*. Nasim-e Ḥayāt. [In Persian]
- Sabziwārī, H. b. M. (2000). *Sharḥ nibrās al-hudā fī aḥkām al-fiqh wa-asrāruhā* (ed. M. Bīdārfar). Bīdār Publications. [In Arabic]
- Ṣādiqī Tehrānī, M. (1985). *Al-furqān fī tafsīr al-Qur'ān bi-al-Qur'ān wa-al-sunna*. Farhang-e Islami. [In Arabic]
- Ṣāfi, M. (1997). *Al-jadwal fī i'rāb al-Qur'ān wa-ṣarfih wa-bayānih*. Dār al-Rashīd. [In Arabic]
- Suhrawardī, Shihāb al-Dīn. (1996). *Collected Works of Shaykh al-Ishrāq*. Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, S. M. Ḥ. (1996). *Al-mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar-e Enteshārāt-e Eslāmī. [In Arabic]
- Ṭabrisī, F. b. Ḥ. (1988). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Ṭāliqānī, S. M. (1983). *A Ray of the Qur'an*. Sherkat-e Sahāmī-ye Enteshār. [In Persian]
- Ṭurayḥī, F. al-D. (1996). *Majma' al-baḥrayn*. Ketābforūshī-ye Mortazavī. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. Ḥ. (n.d.). *Al-tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Yazdī Muṭṭlaq (Fāḍil), M. (2002). *Imamate Studies: A Comparative Inquiry into the Views of the Imāmiyya, Mu'tazila, and Ash'arīs*. Islamic Sciences University of Razavi. [In Persian]

Zamakhsharī, M. b. ‘U. (1987). *Al-kashshāf ‘an ḥaqā’iq ghawāmiḍ al-tanzīl wa-‘uyūn al-aqāwīl fī wujūh al-ta`wīl*.
Dār al-Kitāb al-‘Arabī. [In Arabic]

How to cite:

Kerdari, Somayeh; Khoshmanesh, Abolfazl . (2025). From Khilāfah to ‘Ahd: A Qur’anic Model of Conceptual Transformation. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (4), 51-80.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.509371.1440>